

## سنت قربانی در هزاره اول پیش از میلاد براساس شواهد به دست آمده از تدفین گوهرتپه

عاطفه رسولی<sup>۱</sup>، میثم میری آهودشتی<sup>II</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NBSH.2020.21405.2113

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۹۶-۸۱

### چکیده

I. دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ، گروه باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Atefeh.rasouli110@gmail.com

II. دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ، گروه باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تدفین حیوانات سنتی است که در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد در نقاط مختلف فلات ایران، به ویژه شمال و شمال غرب ایران رواج داشته است. هدف از این پژوهش توضیح و تبیین سنت قربانی حیوانات برای طبقات اجتماعی خاص در عصر آهن است. نکته اساسی این است که همه این حیوانات خفه شده و بعد در کنار صاحب گور دفن شده‌اند تا در دنیایی دیگر مورد استفاده صاحب خود قرار گیرند. اما این مسأله ظاهراً در مورد تدفین سگ به دست آمده از محوطه گوهرتپه واقع در شمال ایران، صدق نمی‌کند؛ زیرا این سگ سرش بریده شده و بعد به حالت چمباتمه درون خمره قرار داده شده است. از جمله پرسش‌های پژوهش حاضر این است که، چرا در بعضی از محوطه‌های عصر آهن منطقه شمال و شمال غرب ایران، حیواناتی چون سگ و اسب را قربانی می‌کردند؟ و چرا سگ مکشوف از محوطه گوهرتپه به مانند تدفین انسانی به شکل چمباتمه و در داخل خمره سفالی و همراه با هدایای تدفینی مخصوص خود سگ قرار داده شده است؟ فرضیه پژوهشی حاضر در پاسخ به این پرسش این است که در بعضی از گورهای عصر آهن منطقه شمال و شمال غرب ایران، حیواناتی چون اسب و سگ را در کنار صاحب گور که از افراد برجسته جامعه بودند، دفن می‌کردند تا در دنیای دیگر مورد استفاده صاحب خود قرار گیرند. هم‌چنین قرار گرفتن تدفین سگ درون خمره و همراه با هدایای تدفینی مخصوص سگ، نشان می‌دهد که صاحب سگ از ارزش والایی در جامعه برخوردار بوده است؛ زیرا ابعاد گور بسیار وسیع بوده و در کنار صاحب گور تعداد زیادی ابزارهای جنگ و اشیاء زینتی نیز به دست آمده است. در این پژوهش با استفاده از روش میدانی و مشاهدات عینی به بررسی تدفین خمره‌ای سگ و مقایسه آن با دیگر تدفین‌های حیوانی در این منطقه، پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که این تدفین یک نوع سنت قربانی در هزاره اول پیش از میلاد است و این احتمال وجود دارد که با سر حیوان بر طبق مراسم خاصی در قربانی حیوانات رفتار می‌شده است و دلیل کم بودن این نوع تدفین، قربانی کردن حیوانات برای تعداد کمی از افراد خاص و یا بالاترین فرد یک جامعه از لحاظ موقعیت اجتماعی بوده است.

**کلیدواژگان:** سنت قربانی، تدفین سگ، هزاره اول، گوهرتپه.

## مقدمه

براساس یافته‌های باستان‌شناختی، در اواخر هزارهٔ دوم پیش‌ازمیلاد به دلیل مهاجرت‌هایی که از منطقهٔ قفقاز به داخل فلات ایران صورت گرفته، تحولات مختلفی در زمینهٔ سنت تدفین، فلزگری و سفالگری در محوطه‌های عصر آهن مناطق مختلف، به ویژه شمال و شمال غرب ایران شکل گرفته است، که یکی از این تحولات، تغییرات در سنت تدفین می‌باشد (نگهبان، ۱۳۴۱: ۴۱-۳۱). براساس مطالعات و کاوش‌هایی که در محوطه‌های عصر آهن منطقهٔ شمال غرب ایران، به ویژه گورستان خرم‌آباد اردبیل انجام گرفته، تعدادی گور و کورگان به دست آمده که درون این گورها اجساد افراد سطح بالای جامعه به همراه حیواناتشان دفن شده است (رضالو، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۰). از جمله تدفین‌های سگ که از منطقهٔ شمال و شمال غرب ایران به دست آمده، می‌توان به نرگس تپهٔ گرگان، گوهرتپه و تپه طالقانی یا قلعه‌کش در استان مازندران و گورستان خرم‌آباد مشکین شهر اردبیل اشاره کرد؛ اما نکتهٔ اساسی در مورد این تدفین‌ها این است که در همهٔ این گورها، اجساد سگ‌ها که یا به صورت انفرادی و یا در کنار صاحب گور دفن شده بودند، به صورت کامل به دست آمده و در هیچ‌یک از این موارد اجساد سگ‌ها درون خمره و همراه با هدایای تدفینی مخصوص سگ به دست نیامده است. ولی تدفین منحصر به فردی که در کاوش‌های گوهرتپه واقع در شهرستان بهشهر استان مازندران به دست آمده، یک نوع سنت قربانی را نشان می‌دهد. مسألهٔ اساسی، سبک و شیوهٔ خاص تدفین خمره‌ای این سگ است، که با سری بریده و به صورت چمباتمه در کنار صاحبش دفن شده است. براساس تحقیقات صورت گرفته، تا به حال چنین تدفین حیوانی که نشان دهندهٔ یک نوع سنت قربانی بوده باشد، در محوطه‌های دیگر عصر آهن ایران به دست نیامده است و هدف اصلی در این راستا مشخص نمودن سنت‌های قربانی سگ در بعضی از محوطه‌های عصر آهن شمال و شمال غرب ایران است. خلأ دانشی موجود در این پژوهش، کاوش‌ها و بررسی‌های اندکی است، که در ارتباط با موضوع سنت قربانی حیوانات در محوطه‌های عصر آهن شمال و شمال غرب فلات ایران صورت گرفته است.

**اهداف پژوهش:** هدف از این پژوهش توضیح و تبیین سنت قربانی حیوانات برای طبقات اجتماعی خاص در هزارهٔ اول پیش‌ازمیلاد، در منطقهٔ شمال و شمال غرب ایران است.

**پرسش‌ها و فرضیات پژوهش:** این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که، چرا در بعضی از محوطه‌های عصر آهن منطقهٔ شمال و شمال غرب ایران، حیواناتی چون سگ و اسب را قربانی می‌کردند؟ و چرا سگ مکشوف از محوطهٔ گوهرتپه به مانند تدفین انسانی به شکل چمباتمه و در داخل خمرهٔ سفالی و همراه با هدایای تدفینی مخصوص خود سگ قرار داده شده است؟ فرضیهٔ پژوهشی حاضر در پاسخ به پرسش‌های مذکور این است که در بعضی از گورهای عصر آهن منطقهٔ شمال و شمال غرب ایران، حیواناتی چون اسب و سگ را در کنار صاحب گور که از افراد برجستهٔ جامعه بودند، دفن می‌کردند تا در دنیای دیگر مورد استفادهٔ صاحب خود قرار گیرند؛ هم‌چنین قرار گرفتن تدفین سگ درون خمره و به حالت چمباتمه، نشان می‌دهد که صاحب سگ از ارزش والایی در جامعه برخوردار بوده است؛ زیرا ابعاد گور بسیار وسیع بوده و در کنار صاحب گور تعداد زیادی ابزارهای جنگ، اشیاء زینتی زرین و ظروف سفالی به دست آمده است.

**روش پژوهش:** این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی مورد بررسی قرار گرفته است. در روش میدانی به بررسی و توصیف شواهد و مستندسازی این تدفین پرداخته شده و سپس با روش کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب، مقالات علمی باستان‌شناسی و بررسی گزارش‌ها به تحقیق و مقایسه یافته‌ها پرداخته شده است؛ هم‌چنین با استفاده از روش میدانی، تجربی و مشاهده عینی، به بررسی و شناخت کامل از اثر مکشوف در محوطه گورته‌په پرداخته شده و سپس از طریق جمع‌آوری اسناد، سنت‌های قربانی حیوانات در گورها و کورگان‌های عصر آهن منطقه شمال و شمال غرب ایران مورد مقایسه و ارزیابی قرار گرفته است.

### پیشینه پژوهش

یکی از قدیمی‌ترین کاوش‌هایی که در این رابطه صورت گرفته، محوطه حسنلو در آذربایجان غربی است. در پی کاوش‌هایی که در سال ۱۳۳۴ ه.ش. توسط «رابرت دایسون» انجام گرفت، تعدادی گور مربوط به عصر آهن به دست آمد که در داخل آن‌ها بقایای اسکلت اسب به دست آمد، که در کنار صاحب گور دفن شده بودند (Dyson & Muscarella, 1989: 1-27; Dyson, 1989:8) در سال ۱۳۴۰ ه.ش. کاوش‌های گسترده‌ای در محوطه مارلیک انجام شد. به دنبال این کاوش تعدادی گور سنگ چین از این محوطه به دست آمد که درون آن‌ها بقایای اسکلت اسب به دست آمد، که در کنار صاحب گور دفن شده بودند (نگهبان، ۱۳۷۶: ۴۵۳). در سال ۱۳۸۱ ه.ش. طی کاوش تپه طالقانی یا قلعه‌کش قائمشهر در استان مازندران که توسط «حسن رضوانی» انجام گردید، بقایای اسکلت یک سگ به دست آمد (رضوانی، ۱۳۸۱). بررسی دیگر در زمینه تدفین حیوانات در گورهای عصر آهن، توسط «مهدی چوری» در سال ۱۳۸۲ ه.ش. در گورستان یسن واقع در دیلمان انجام گردید. در گورهای مکشوف از این گورستان اسکلت تعدادی اسب به دست آمد، که در کنار صاحب گور دفن شده بودند (چوری، ۱۳۸۲: ۳۲-۲۵). در کاوش سال ۱۳۸۳ ه.ش. «محمد رضا خلعتبری» در منطقه مریان تالش در استان گیلان، تعدادی اسکلت اسب و زین و یراق اسب از گورهای عصر آهن به دست آورد، که در کنار انسان دفن شده بودند (خلعتبری، ۱۳۸۳: ۲۳-۱۸). در سال ۱۳۸۶ ه.ش. در گورستان لاریجان واقع در نزدیکی خداآفرین در آذربایجان شرقی تعدادی کورگان مربوط به عصر آهن به دست آمد، که در داخل این کورگان‌ها علاوه بر تدفین‌های انسانی، بقایای اسکلت حیواناتی چون اسب نیز به دست آمده است (هژبری نوبری، ۱۳۸۶: ۲۳-۱۴). در سال ۱۳۸۷ ه.ش. کاوش گسترده‌ای در تپه شتربان واقع در منطقه خداآفرین آذربایجان توسط «علیرضا هژبری نوبری» انجام گردید. در کورگان‌های به دست آمده از این محوطه در کنار تدفین‌های انسانی، اسکلت اسب، گاو و گوسفند نیز به دست آمده است که در واقع به عنوان هدیه و پیشکش در کنار صاحبانشان دفن شده‌اند (هژبری نوبری، ۱۳۸۷: ۳۳-۲۲). هم‌چنین در کاوش‌های گورستان خرم‌آباد مشکین شهر اردبیل که توسط «رضا رضالو» در سال ۱۳۹۴ ه.ش. انجام گردید، تعدادی کورگان کشف شد که در داخل آن‌ها بقایای اسکلت حیواناتی چون: اسب، گاو و سگ به دست آمد (رضالو، ۱۳۹۴: ۲۵-۲۴).

## سنت تدفین حیوانات در محوطه‌های شمال و شمال غرب ایران در عصر آهن

در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد تغییرات عمده‌ای در سبک و روش تدفین‌های عصر آهن منطقه شمال و شمال غرب ایران به وجود آمده است (Danti, 2013: 4-7). از تحولات مهم این دوره، تدفین حیواناتی چون: اسب، گاو، سگ و به ندرت گوسفند در کنار صاحبان گور بوده است، که در واقع این حیوانات را برای صاحبان گور که اکثراً از طبقات بالای جامعه بودند، قربانی می‌کردند. به همین دلیل همراه حیواناتی چون: اسب، زین و یراق اسب را قرار می‌دادند، تا صاحب گور بتواند در دنیایی دیگر از آن‌ها استفاده کند (طلایی، ۱۳۹۰: ۱۱۰). در این دوره، گورهای معروف به «کورگان» نیز شکل می‌گیرند؛ این گورها در اکثر موارد یا به صورت مدور و یا به شکل مستطیل بودند با ابعاد نسبتاً بزرگ، که بعد از قرار دادن اجساد و هدایای تدفینی در داخل آن‌ها سقف آن‌ها را به وسیله تیرک‌های چوبی می‌پوشاندند (هژبری نوبری، ۱۳۸۶: ۵۴-۳۳). سکاها به عنوان یکی از مهم‌ترین اقوام، در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد، در مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی ایران اهمیت بسزایی دارند. یکی از اولین مدارک از حضور تاریخی اقوام سکایی در ایران، از گورستان خرم‌آباد مشکین شهر به دست آمده است. این کشفیات مربوط به آئین تدفین سکایی و اهمیت تدفین اسب، به همراه اشیاء منحصر به فرد نوع سکایی، به عنوان هدایا برای بزرگ‌زاده سکایی هستند. این کشفیات نشان می‌دهد که گفته‌های «هرودوت» درباره آئین تدفین باشکوه سکایی، در ایران صحیح بوده است. اشیائی هم‌چون سرپیکان‌های سه پر و دو پر، از مطمئن‌ترین آثار سکایی هستند که اگر در محوطه‌ای همراه با سایر ویژگی‌ها، از جمله دهنه‌های اسب و تدفین‌های اسب، گاو و سگ به دست آید، یکی از بهترین مدارک، برای انتساب آن محوطه به اقوام سکایی هستند (رضالو، ۱۳۹۴: ۱۷). با توجه به کورگان‌هایی که به ویژه در شمال غرب ایران به دست آمده، می‌توان گفت منطقه شمال غرب خاستگاه اصلی این نوع تدفین بوده و از این منطقه به شمال و دیگر مناطق فلات ایران گسترش پیدا می‌کند (همان: ۳۰-۲۴). یکی دیگر از این مناطق گورستان مریان تالش در منطقه گیلان است؛ در این گورستان، دو گور همراه با تدفین اسب و تعدادی ابزار مربوط به یراق اسب به دست آمده است. در مجموعه یافته‌های فلزی قبرستان تالش نیز آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند، شناسایی ساز و برگ اسب از جمله لگام آهنی اسب است (خلعتبری، ۱۳۸۳: ۴۷-۴۴). از محوطه‌های دیگر عصر آهن شمال ایران که از آن‌ها گورهایی همراه با تدفین حیوانی به دست آمده، محوطه مارلیک است. در بعضی از گورهای سنگ‌چین شده این محوطه، بقایای اجساد اسب و گاهی فقط زین و یراق اسب به دست آمده است. با توجه به بررسی‌هایی که در خصوص تدفین سگ در این مناطق صورت گرفته می‌توان گفت، در منطقه شمال ایران بیشتر از شمال غرب ایران تدفین سگ به دست آمده و بیشتر تدفین‌های سگ نیز مربوط به منطقه مازندران هستند. از تپه طالقانی یا تپه قلعه‌کش قائمشهر، بقایای تدفین یک سگ به دست آمده است؛ این تدفین در عمق ۲۷۰ سانتی متری از سطح تپه به دست آمد و در جهت شمالی-جنوبی و بر پهلوئی چپ قرار داشت و دست‌های آن جلوی صورتش قرار گرفته بود. هم‌چنین اطراف سگ هدایای تدفینی وجود نداشت (رضوانی، ۱۳۸۱). در گورستان گوهرتپه بهشهر نیز به غیر از

تدفین مورد بحث در این مقاله، یک تدفین دیگری از سگ به دست آمده است. در این تدفین بقایای استخوان‌های یک سگ به دست آمده که گردن این حیوان به پشت برگشته است و داخل یک چاله‌ای که مربوط به دفن زباله بوده، به دست آمده است؛ بنابراین این احتمال وجود دارد که حیوان مذکور بعد از مرگ به صورت اتفاقی داخل این چاله قرار گرفته باشد. گور این سگ فاقد هدایای تدفینی است و به تنهایی دفن شده است (ماهفروزی، ۱۳۸۳: ۲۸). محوطه دیگر در منطقه شمال ایران که از آن تدفین سگ به دست آمده، نرگس تپه گرگان است؛ از این محوطه در درون یک گور، بقایای اسکلت دو انسان به همراه دو سگ به دست آمده است (عباسی، ۱۳۹۰). در منطقه شمال غرب ایران نیز بیشتر تدفین‌های حیوانی مربوط به اسب و گاو هستند و تدفین‌های مربوط به سگ نسبت به شمال ایران بسیار کم به دست آمده است.

### گورستان عصر آهن گوهرتپه

محوطه باستانی گوهرتپه در ۱/۵ کیلومتری شمال غربی روستای رستمکلا از توابع شهرستان بهشهر در استان مازندران قرار دارد. این محوطه به عنوان محوطه شاخص جنوب و جنوب شرق دریای خزر مورد توجه است و دوره‌های فرهنگی آن شامل دوران مس و سنگ (اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد) تا آخرین دوره عصر آهن است (شکل ۱ و ۲). اولین بررسی باستان‌شناسی این محوطه در سال ۱۳۷۹ ه.ش. انجام گردید و در سال ۱۳۸۱ ه.ش. مورد کاوش قرار گرفت. مساحت گورستان گوهرتپه، ۵۰ هکتار و شامل مجموعه‌ای از چند پشته به هم پیوسته است، که حدوداً ۱۰۰۰ متر آن مورد کاوش قرار گرفته است. مجموعاً ۲۲۶ تدفین انسانی و دو تدفین حیوانی از کاوش‌های گوهرتپه به دست آمده که حدود ۲۰۰ گور آن متعلق به عصر آهن است. به طور کلی ساختارهای به دست آمده از محوطه گوهرتپه شامل بخش‌های ساده مسکونی و یا



شکل ۱. نقشه جغرافیایی شهرستان بهشهر و محوطه گوهرتپه (ماهفروزی، ۱۳۸۲: ۱۲).

فضاهای کارگاهی و صنعتی بوده که به‌ویژه در سطوح فوقانی در اثر حفر چاله‌های گور از بین رفته و آثار آن به صورت ناقص برجای مانده است (قاسم‌گرگی، ۱۳۹۶: ۶۶-۶۴)، (شکل ۳).

در باب بررسی و مطالعه برروی تدفین‌های گورستان گوهرتپه، نتایجی به شرح ذیل به دست آمده است.

- ۱- همه تدفین‌ها به جز یک مورد به حالت چمباتمه دفن شده‌اند.
- ۲- برای جهت تدفین‌ها و صورت آن‌ها هیچ‌گونه جهت خاصی رعایت نگردیده است.
- ۳- در کنار تدفین‌ها ظروف سفالی خاصی قرار داده می‌شده است (تدفین‌هایی نیز فاقد ظروف سفالی بوده که اغلب مربوط به کودکان است).



شکل ۲. تصویر ماهواره‌ای محوطه گوهرتپه (Google Earth).



شکل ۳. نمایی از محوطه گوهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

- ۴- در بعضی از گورها لوازم شخصی و جنگ افزارها نیز به همراه تدفین قرار داده شده است.
- ۵- کودکان را هم در داخل خمره و هم در داخل گور قرار می‌دادند (تنها در یک مورد یک نوجوان در خمره دفن شده که احتمال می‌رود تدفین ثانویه باشد).
- ۶- بیش از ۹۵٪ از تدفین‌ها بر روی شانه چپ قرار داده شده‌اند (همان: ۴۰-۳۵).

### سنت قربانی سگ در گورستان عصر آهن گوه‌رتپه

تمام مواردی که بدان اشاره گردید، ویژگی‌هایی هستند که در همه تدفین‌ها به طور مشترک به چشم می‌خورند. اما یک تدفین منحصربه‌فرد در گوه‌رتپه به دست آمده که دارای ویژگی‌هایی خاص است؛ این تدفین در سال ۱۳۸۵ ه.ش. و در گمانه T.T.M به دست آمد. این تدفین به عنوان فیچر شماره ۳۳ در این کارگاه نام‌گذاری گردیده است. جهت تدفین شمال غربی- جنوب شرقی است، که به حالت چمباتمه بر روی شانه چپ خوابانده شده و صورت به طرف شمال شرقی قرار دارد. تدفین فوق در ۳۰ سانتی‌متری سطح زمین قرار داشته است، که با انجام فعالیت‌های کشاورزی دچار آسیب گردیده و تنها بخشی از پاها و دست‌های آن باقی مانده است و مجسمه، دنده‌ها و مهره‌های ستون فقرات از بین رفته است (ماه‌فروزی، ۱۳۸۶: ۵۶)، (شکل ۴ و ۵). در درون این گور دو خمره بزرگ سفالی وجود داشته است؛ یکی از این خمره‌ها به رنگ قرمز و به ارتفاع یک متر در وضعیت نسبتاً سالم‌تری به دست آمده، که در بالای سراسکلت مزبور قرار داشت، و خمره دوم که در زیر پای اسکلت قرار داشت، از قسمت شانه ظرف شکسته شده بود. این خمره‌ای که در بالای سر تدفین قرار داشت، بزرگ‌تر می‌باشد (همان: ۵۴)، (شکل ۶). اشیاء همراه این تدفین نشان از دارا بودن موقعیت اجتماعی بسیار بالای صاحب گور بوده است. این گور با بیش از ۴ متر طول، دارای اشیاء فراوان فلزی بوده، که در این بین، ۲ قطعه طلا شامل یک النگو و یک انگشتر به دست آمده، که هر دوی آن‌ها در دست راست قرار داشتند (شکل ۷)؛ هم‌چنین یک النگوی مفرغی دیگر در دست چپ قرار داشته است. هم النگو و هم انگشتر طلا و دستنبندهای مفرغی به صورت مفتول‌های باز ساده ساخته شده‌اند و فاقد تزئینات هستند (شکل ۸ و ۹). از دیگر اشیاء فلزی همراه تدفین، جنگ‌افزارها هستند. تعداد ۱۵ عدد جنگ‌افزار از این گور به دست آمده، که شامل: ۱۲ سرپیکان، ۲ خنجر و یک سرنیزه است (شکل ۱۰). سرنیزه در قسمت بالای مجسمه قرار دارد و یک خنجر بر روی میچ دست چپ و دسته خنجر دیگری در درون دست چپ قرار دارد. ۱۲ سرپیکان نیز در قسمت پشت لگن و پاها به دست آمده است. نکته قابل توجه در مورد این تدفین مربوط به ظرفی است که در زیر پای اسکلت قرار داشته است. در این ظرف که از قسمت شانه شکسته شده، چند قطعه سنگ و یک سنگ ساب شکسته به دست آمده است (همان: ۴۵)، (شکل ۱۰ و ۱۱). با کاوش آن در قسمت تحتانی، تدفین خمره‌ای یک سگ مشاهده گردید، که به صورت چمباتمه در درون خمره دفن شده بود. همراه با این سگ دو ظرف سفالی قرار داده شده است. یک ظرف در بین پاها و به رنگ قهوه‌ای تیره، که فرم آن از نوع ظروف عدسی شکل است و ظرف دیگر به رنگ خاکستری روشن بوده که به صورت وارونه در زیر گردن سگ قرار داده شده است (شکل ۱۲).

نکته جالب توجه در مورد این تدفین حیوانی، بدون سر بودن آن است که با توجه به وضعیت آن به نظر می‌رسد این سگ به صورت قربانی در کنار صاحب خود دفن شده است؛ هم‌چنین اتصال این خمره تدفین به پای اسکلت انسانی نشان از تعلق آن به این تدفین دارد. در مطالعات انجام شده بر روی این تدفین که توسط «آرکادیوش سولتیشیاک»<sup>۱</sup> از دانشگاه ورشو لهستان صورت گرفت، به بدون سر بودن و بریده شدن آن اشاره گردید (همان: ۵۶).



شکل ۴. بقایای قسمتهایی از دست و پای تدفین  
مکشوف از گوهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).



شکل ۵. بقایای قسمتهایی از دست و پای تدفین  
مکشوف از گوهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).





► شکل ۶. بقایای تدفین مکشوف از گوهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).



► شکل ۷. النگو و انگشتر مکشوف از تدفین گوهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

**سنت تدفین حیوانات در محوطه‌های عصر آهن منطقه قفقاز و جنوب سیبری**  
 سکاها در آغاز هزارهٔ اول پیش از میلاد بر قسمت‌های وسیعی از آسیای مرکزی، منطقه قفقاز، شمال دریای سیاه، شرق آناتولی و شمال غرب ایران حکومت می‌کردند و شاخص‌های فرهنگی خود را در این مناطق به جا گذاشته‌اند (Rudenko, 1953: 53-60). در منطقه قفقاز بیشتر کورگان‌ها از کشور کنونی قزاقستان و در اطراف رودخانه ایسیت (Issyt) در جنوب شرقی قزاقستان به دست آمده است (Parzinger, 2006: 20-23). شکل این کورگان‌ها به صورت مدور است و عمده‌ترین مصالح آن

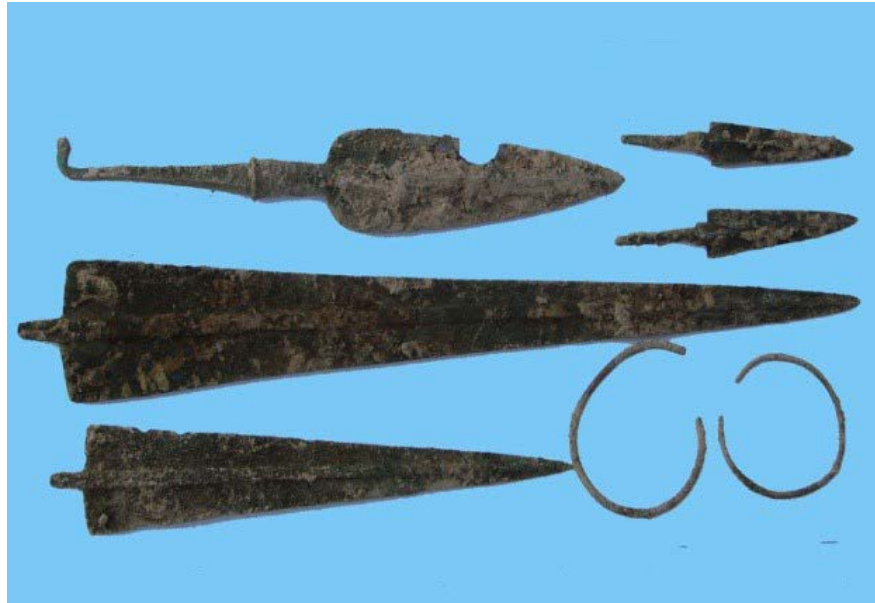


شکل ۸. النگو و انگشتر طلا که در دست راست و النگوی مفرغی که در دست چپ اسکلت مکشوف از گوهرتپه به دست آمده است (نگارندگان، ۱۳۹۹). ◀



شکل ۹. النگو و انگشتر طلای مکشوف از تدفین گوهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹). ◀

لاشه سنگ است. این کورگان‌ها بسیار حجیم هستند و سقف آن‌ها به وسیله سنگ و گل پوشش داده شده است. از داخل این کورگان‌ها تدفین حیوانی زیادی به دست آمده که اکثر آن‌ها مربوط به اجساد اسب است و تدفین سگ از داخل این کورگان‌ها کمتر از حیوانات دیگر به دست آمده و این مسأله نشان دهنده اهمیت جایگاه اسب در بین سکاها در هزاره اول پیش از میلاد است؛ زیرا زندگی سکاها براساس چادرنشینی و اقتصاد آن‌ها برپایه اسب بوده است (Ibid: 20-21). به طور کلی از داخل کورگان‌های سکایی هدایای تدفینی زیادی به دست آمده که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از: ظروف زرین و سیمین که از ورقه‌های فلزی ساخته می‌شدند، اشیاء زینتی و ابزارهای



► شکل ۱۰. رزم افزار و النگوهای مفرغی  
مکشوف از تدفین گوهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).



► شکل ۱۱. سنگ ساب به دست آمده از داخل  
خمیره‌ای که در قسمت پایین اسکلت قرار  
داشته است (نگارندگان، ۱۳۹۹).

جنگ (Ibid: 19-22). با توجه به تعداد زیاد ابزارهای جنگ و هدایای تدفینی که از کورگان‌های سکایی به دست آمده، می‌توان گفت این کورگان‌ها مربوط به افراد جنگجو و سطح بالای جامعه بوده است (Vanden Berghe, 1966: 53-59). از دیگر مناطقی که از آن گورهای سکایی زیادی به دست آمده، کوهستان آلتای مغولستان در جنوب سیبری است. این کورگان‌ها نیز به مانند دیگر کورگان‌ها به صورت مدور ساخته شده و از درون آن‌ها هدایای تدفینی زیاد و اجساد حیوانات، به ویژه اسب به دست آمده است (Rudenko, 1953: 53-60). از جمله کورگان‌های سکایی که شباهت زیادی به کورگان‌های منطقه شمال غرب ایران دارد، کورگان‌های به دست آمده از منطقه قفقاز شمالی است و به لحاظ شناسایی گورهای سنگ چین شده،



شکل ۱۲. تدفین خمراهی سگ مکشوف از گوهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

تدفین حیوانات و نوع هدایای تدفینی که داخل گورها قرار داده شده است؛ مانند: اشیاء مربوط به زمین و یراق اسب، زنگوله‌های مفرغی، سرپیکان‌های دو پره و سه پره، اشیاء زرین و سیمین ساخته شده از ورقه‌های فلزی و انواع مهره‌های سنگی، می‌توان گفت کورگان‌های مکشوف از شمال غرب ایران، تحت تأثیر تدفین سکایی قرار داشته‌اند (Gass & Hofman, 2015: 280-283). تدفین سگ چه در محوطه‌های عصر آهن منطقه قفقاز و چه در منطقه شمال و شمال غرب ایران، بسیار کم به دست آمده و بیشتر استخوان حیواناتی که در درون کورگان‌ها یا گورهای عصر آهن این مناطق به دست آمده‌اند، مربوط به استخوان حیواناتی چون اسب و گاو بوده و به ندرت از درون این گورها استخوان سگ به دست آمده است. براساس بررسی‌های باستان‌شناسی که در منطقه قفقاز و جنوب سیبری انجام گردیده، از محوطه کاسپین ۶ (Caspan 6) واقع در منطقه قفقاز شمالی که مربوط به سکاهای بوده است، در درون یکی از گورها بقایای استخوان یک سگ به صورت کامل به دست آمده است. این سگ به صورت چمباتمه در درون گور سنگ‌چین شده، قرار داده شده بود. این سگ، فاقد هدایای تدفینی بوده و در کنار آن بقایای اسکلت انسان به دست نیامده است (Beisenov, 2017: 100). از منطقه قفقاز شمالی نیز تعداد محدودی تدفین سگ به دست آمده که بعضی از آن‌ها درون کورگان‌های بزرگ و همراه با حیواناتی چون اسب در کنار صاحب گور دفن شده‌اند، که در اکثر تدفین‌ها اسکلت سگ‌ها به صورت چمباتمه و بدون هدایای تدفینی شناسایی گردیده و هدایای تدفینی داخل این کورگان‌ها نیز مربوط به صاحب گور بوده است (Parzinger, 2017: 331-355). این درحالی‌ست که سگ مکشوف از گوهرتپه، به صورت چمباتمه در داخل خمره سفالی قرار داده شده و همراه با هدایای تدفینی مخصوص به خود، در کنار اسکلت انسانی (صاحبش) دفن شده است؛ هم‌چنین سگ موردنظر سرش بریده شده و بعد درون گور قرار داده شده است، درحالی‌که اسکلت سگ‌های مکشوف از گورها و کورگان‌های سکایی، به صورت کامل به دست آمده‌اند.

## بحث و تحلیل

از نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد به بعد، یعنی آغاز عصر آهن از اسب در سواری و امور نظامی استفاده شده است. از همین زمان است که نقش اسب بر روی ظروف سفالین مشاهده می‌شود. این دوره مقارن با زمانی است، که سیل مهاجرت‌های عظیمی از سوی اقوام اروپایی به داخل فلات ایران در حال شکل‌گیری و گسترش بوده است (Dyson & Muscarella, 1989: 25-30)؛ هم‌چنین به دلیل این‌که در مناطق شمالی، به‌ویژه قفقاز و سیبری تدفین حیوانات مرسوم بوده، احتمالاً در نتیجه همین مهاجرت‌ها، به‌ویژه در منطقه شمال و شمال غرب ایران، تدفین‌های زیادی از عصر آهن به دست آمده است که در آن حیواناتی از قبیل اسب و سگ در کنار صاحب گور دفن شده‌اند. بیشتر تدفین‌های حیوانی که از منطقه شمال غرب ایران به دست آمده، مربوط به حیواناتی چون: اسب، گاو، گوسفند و بز هستند، که احتمالاً همه آن‌ها خفه شده و بعد داخل گور قرار داده شده‌اند. تدفین سگ در این منطقه به صورت محدود به دست آمده که از آن جمله می‌توان به تدفین سگ گورستان خرم‌آباد اردبیل اشاره کرد؛ ولی تدفین سگ در شمال فلات ایران، به‌ویژه در منطقه مازندران بیشتر به دست آمده است. همان‌طور که اشاره شد در منطقه شمال ایران تدفین سگ از محوطه‌های نرگس تپه گرگان، تپه طالقانی قائمشهر و حتی در خود محوطه گوهرتپه به شهر نیز به دست آمده است. شکل تدفین سگ در همه این محوطه‌ها تقریباً یکسان است، بدین معنی که اسکلت سگ‌ها یا به صورت انفرادی و یا در کنار صاحب گور به دست آمده است. اجساد برخی از سگ‌ها به حالت چمباتمه و برخی دیگر به یک شانه که اکثراً به سمت چپ است، داخل گور قرار گرفته، ولی هیچ‌کدام از آن‌ها داخل خمره سفالی دفن نشده‌اند. بعضی از این گورها، مانند تدفین سگ به دست آمده از تپه طالقانی - فاقد هدایای تدفینی است، اما نمونه مکشوف از نرگس تپه همراه با اشیاء دفن شده است؛ ولی نکته اساسی این است که هدایای داخل این گورها مربوط به صاحب گور است، در حالی که سگی که در تدفین گوهرتپه به دست آمده، دارای هدایای تدفینی مخصوص به خود بوده است. در همه تدفین‌های حیوانی عصر آهن که از منطقه شمال و شمال غرب ایران به دست آمده است، حیوانات مزبور را خفه کرده و بعد داخل گور قرار داده‌اند و با توجه به اسکلت آن‌ها که به صورت کامل به دست آمده، هیچ نشانی از بریدن سر حیوانات دیده نشده است. حتی در بعضی از گورها، زین و یراق و دیگر لوازم مربوط به اسب نیز همراه حیوان دفن شده است، که با توجه به اعتقاد به دنیای پس از مرگ در این دوره (از روی تدفین‌ها قابل استنباط است) می‌توان گفت این اسب از این جهت قربانی شده که در دنیای دیگر در اختیار و مورد استفاده صاحب خود قرار گیرد. ولی این مسأله احتمالاً در مورد سگ قربانی شده در گوهرتپه صدق نمی‌کند، زیرا در این صورت سر را به همراه حیوان دفن می‌کردند؛ بنابراین بریده شدن سر این سگ و دفن شدن آن داخل خمره همراه با هدایای تدفینی نشان‌دهنده ارزش بسیار زیاد این سگ برای صاحب گور بوده است؛ زیرا وسعت زیاد گور و هدایای زیادی که داخل آن قرار دارد، نشان‌دهنده موقعیت اجتماعی بالای صاحب گور در این دوره بوده است. به‌طور کلی، گورهایی که از آن‌ها اجساد حیواناتی چون: اسب، گاو و سگ در کنار صاحب گور به دست آمده است، مربوط به اواخر دوره‌های مفرغ

و اوایل عصر آهن هستند؛ بنابراین می‌توان گفت این گورها در بین ساکنان قفقاز، اقوام کاسی و سیت‌ها رواج داشته است، که بعدها در حوزه شمال غرب ایران و بعد از طریق شمال غرب در منطقه شمال ایران رواج پیدا می‌کند (Dyson, 1964: 32-45).

### نتیجه‌گیری

در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد، سنت تدفین حیوانات به عنوان قربانی در کنار صاحبان آن‌ها رواج زیادی پیدا می‌کند. احتمالاً این سنت یک رسم سکایی بوده است که بر اساس مهاجرت‌هایی که از منطقه قفقاز به داخل فلات ایران، به ویژه منطقه شمال غرب صورت می‌گیرد، رواج پیدا می‌کند. در واقع سنت تدفین اسب در گور به همراه مردگان در عصر آهن، یکی از ویژگی‌های گورستان‌های سکایی بوده است و منشأ سکایی دارد؛ به عبارت دیگر، سنت قربانی در اواخر دوره مفرغ و اوایل عصر آهن در بین سکاها و یا اقوامی که از ناحیه قفقاز به این منطقه وارد شده‌اند، رواج داشته است و شاید مرتبط با ورود اقوام جدید در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد بوده باشد؛ همان‌طور که شرح داده شد، در هزاره اول پیش از میلاد قسمت‌های وسیعی از سرزمین‌های آسیای مرکزی، به ویژه منطقه قفقاز، جنوب سیبری و شمال دریای سیاه تحت سلطه اقوام سکایی قرار داشت، به همین دلیل کورگان‌های سکایی زیادی از این مناطق شناسایی گردیده و از درون بیشتر این کورگان‌ها اجساد حیوانات که در کنار صاحب گور دفن شده‌اند، به دست آمده است؛ بنابراین این کورگان‌ها به لحاظ شکل و نوع مصالح به کار رفته در آن‌ها و هم‌چنین از نظر نوع تدفین‌های حیوانی، شباهت زیادی به گورهای به دست آمده از منطقه شمال غرب ایران چون گورستان خرم‌آباد اردبیل و گورستان شتربان تپه در منطقه آذربایجان دارند. در منطقه شمال ایران نیز گورهایی به دست آمده که به لحاظ تدفین‌های حیوانی، اشیاء مکشوف داخل گورها و لاشه‌سنگ‌هایی که در ساخت گورها استفاده شده است، شباهت زیادی به گورهای سکایی دارند. از جمله اشیاء مکشوف از گورهای عصر آهن شمال و شمال غرب ایران که شباهت زیادی به اشیاء سکایی دارند، می‌توان به سرپیکان‌های سه پره، زیورآلات زرین، اشیاء ساخته شده از ورقه‌های فلزی و مهره‌های سنگی مکشوف از این محوطه‌ها اشاره کرد، که از بیشتر گورهای عصر آهن شمال و شمال غرب ایران، مانند: گورستان گوهرتپه، گورستان مارلیک و گورستان خرم‌آباد اردبیل به دست آمده‌اند. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته بین اکثر تدفین‌های حیوانی مکشوف از محوطه‌های عصر آهن منطقه شمال و شمال غرب ایران شباهت‌های زیادی وجود دارد، اما نکته قابل توجه این است که همه این تدفین‌ها با تدفین سگی که در گوهرتپه به دست آمده، کاملاً متفاوت هستند؛ زیرا در اکثر این گورها اجساد حیواناتی چون: اسب، گاو، گوسفند و سگ به طور کامل به دست آمده و حتی در بعضی از گورها اسب‌ها همراه با زین و یراق دفن شده‌اند و این یعنی آن‌ها را همراه اسب دفن می‌کردند تا در یک دنیای دیگر مورد استفاده صاحبشان قرار بگیرند و این مسأله در مورد حیوانات دیگر هم صدق می‌کند. اما تدفین سگی که از گوهرتپه به دست آمده، داخل یک خمره و به صورت چمباتمه دفن شده و در کنار سگ دو ظرف سفالی به عنوان هدایای

تدفینی قرار داده شده است. درحالی‌که اجساد سگ‌هایی که از دیگر محوطه‌ها به دست آمده‌اند، هیچ‌کدام داخل خمره‌های سفالی قرار داده نشده‌اند و همه آن‌ها فاقد هدایای تدفینی هستند و هدایای داخل گور نیز مختص صاحب گور بوده است. ولی در تدفین گوهرتپه، سگ موردنظر دارای هدایای تدفینی مخصوص به خود بوده، درحالی‌که شخص صاحب گور هم دارای هدایای تدفینی زیادی است؛ هم‌چنین سر حیوان موردنظر بریده شده و این احتمال وجود دارد که با سر حیوان بر طبق مراسم خاصی در قربانی حیوانات رفتار می‌شده است و دلیل کم بودن این نوع تدفین نیز می‌تواند نخست، به دلیل وسعت کم کاوش بوده باشد؛ و دوم این‌که، قربانی کردن حیوانات برای تعداد کمی از افراد خاص یک جامعه و یا بالاترین فرد یک جامعه از لحاظ موقعیت اجتماعی، قابل انجام بوده است.

## پی‌نوشت

I. Arkadiusz Soltysiak

## کتابنامه

- چوری، مهدی، ۱۳۸۲، «گزارش کاوش گورستان عصر آهن یسن». گیلان: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (منتشر نشده).
- رضالو، رضا؛ و آیرملو، یحیی، ۱۳۹۴، «شواهد باستان‌شناختی جدید از حضور تاریخی اقوام سکایی در ایران». پژوهش‌های تاریخی، دوره ۷، شماره ۴، صص: ۱۷-۳۲.
- عابدینی، مهدی، ۱۳۸۴، «گزارش باستان‌شناسی کاوش گورستان عصر آهن لفورک». مازندران: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (منتشر نشده).
- طلائئ، حسن، ۱۳۹۰، باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول پیش از میلاد. نشر سمت، تهران: نشر سمت.
- قاسمی‌گرگی، سراله، ۱۳۹۶، آغاز عصر آهن در دشت‌های شرقی مازندران (مطالعه موردی: گوهرتپه رستم کلا). دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران.
- ماهفروزی، علی، ۱۳۸۴-۱۳۸۳، «گزارش کاوش فصل سوم و چهارم گورستان عصر آهن گوهرتپه، بهشهر». مازندران: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (منتشر نشده).
- ماهفروزی، علی، ۱۳۸۶، «گزارش کاوش فصل ششم گورستان عصر آهن گوهرتپه، بهشهر». مازندران: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (منتشر نشده).
- خلعتبری، محمدرضا، ۱۳۸۳، کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تالش. چاپ اول، گیلان: سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور.
- نگهبان، عزت‌الله، ۱۳۴۱، حفریات مارلیک. شماره ۱۰، تهران: نشریه انجمن فرهنگ ایران.

- نگهبان، عزت‌الله، ۱۳۷۶، مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور.

- هژبری نوبری، علیرضا، ۱۳۸۷، «کشف گورهای کورگان در منطقه خداآفرین». ابهر: تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

- هژبری نوبری، علیرضا، ۱۳۸۶، «گزارش اولین فصل کاوش باستان‌شناسی تپه شتربان خدا آفرین». تهران: سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور (منتشر نشده).

- Beisenov, A.; Crescioli, L. & Bazarbayeva, G., 2017, "The Early Iron Age Burial Ground Kaspan-6". In: *Jetusy Baranul*, Pp: 100

- Dyson, R. H. & Muscarella, O.W., 1989, "Construction the Chronology and Historical Implication of Hasanlu IV". *Iran*, Philadelphia University Museum Monograph, Vol. 27, Pp: 1-27

- Dyson, R. H., 1964, *Notes on Weapons and Chronology in Northern Iran Around 1000 B.C.* Istanbul, Pp: 32-45

- Danti, M., 2013, *Hasanlu V: The Late Bronze and Iron I Periods Hasanlu Excavations Reports III*. University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology Philadelphia.

- Gass, A.; Hofman, I.; Andrei, B. & Parzinger, H., 2015, "Early Iron Age Kurgans from the North Caucasus". *Archaeologia Polona*, Vol. 53, Pp: 280-283.

- Rudenko, C. I., 1953, "The culture of the population of the Altai Mountains in Scythian Times". *Moscow and Leningrad*, Pp: 53-60

- Parzinger, H., 2006, "The Scythians: Nomadic Horse men of the Eurasian steppe". *Museum Zu Berlin*, Germany, Pp: 20-23

- Parzinger, H., 2017, "Burial mounds of Scythian elites in the Eurasian steppe". *New discoveries*, Pp: 331-355

- Vanden Berghe, L., 1966, "Art Iranian Ancient". *Internationalen Kongresses fur Iranische und Archaologie*, Munchen, Pp: 53-59